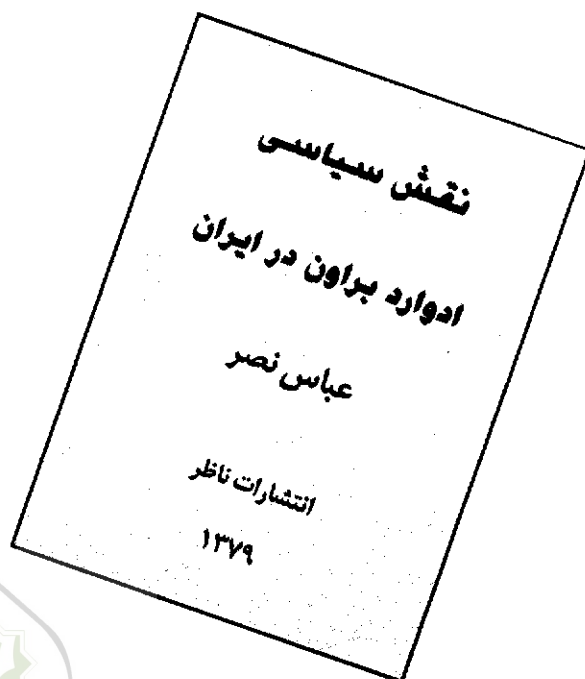


نقش سیاسی ادوارد براون در ایران

محمدرضا زادهوش



نقش سیاسی ادوارد براون در ایران: عباس نصر، انتشارات ناظر، چاپ اول، ۱۳۷۹.

صادقانه‌ای پی نهاد. پژوهش هایش هنوز کارآمد و مقامش ارجمند و والا در نگاه بزرگان خاور.

تأثیر خود و کتبش، گستردگی و ژرفی بسیار دارد و نقش وی را در شناساندن غرب و شرق به یکدیگر همگان پذیرفته‌اند و از همه گذشته شور و علاقه غریب وی در این راه بس ستودنی و پژوهیدنی است.

پدید آوردن اثری ماندگار چون کتاب تاریخ ادبیات ایران ۵،

۱. در دهکده اولی (Uley).

۲. این تاریخ براساس گفته عیسی صدیق است (یادگار عمر: عیسی صدیق، مؤسسه دهخدا، تهران، ۱۳۵۲، ص ۲۲۸).

۳. در حقیقت مسافرت نخست براون به شرق، سال ۱۸۸۲ میلادی است که با آن که بسیار جوان است به مسافرت شرق آمده و قدم به ترکیه می‌گذارد و از همین روست که علامه قزوینی می‌نویسد که براون از ۱۸ سالگی تا پایان عمر (۶۴ سالگی) را صرف احیای آثار ایران نمود (بیست مقاله قزوینی، جزء دوم، به کوشش عباس اقبال، چاپخانه مجلس، ۱۳۱۳، ص ۲۲۷ و ۲۳۲).

۴. از گفته‌های براون است که: هر کس فارسی نداند انسان کاملی نیست. در این باره مراجعه به متن خطابه سید حسن تقی‌زاده که در سوگواری فوت براون ایراد شده و در سال ۱۳۰۴ شمسی به ضمیمه مجله «تعلیم و تربیت» وزارت معارف به چاپ رسیده است، سودمند می‌نماید.

۵. تألیف این کتاب از سال ۱۹۰۲ تا ۱۹۲۴ به طول انجامید و حاصل آن پدید آمدن اثری کارآمد و ماندنی در ۲۳۰۰ صفحه گشت که به عربی هم ترجمه شده است (قاهره، ۱۳۷۳ ق).

ادوارد گرانویل براون (Edward Granville Browne) در هفتم فوریه ۱۸۶۲ م / ۱۲۴۰ ش در دهکده ای^۱ در ایالت گلاسترشر (Gloucestershire) انگلستان پا به جهان گشاد و پس از طی مقدمات معمول علوم در کمبریج به آموختن طب پرداخت و در ۱۸۸۷ م / ۱۳۰۵ ق به اخذ دکترای آن رشته نایل گردید. مسافرت وی در همین سال به ایران^۳ باعث آمدن تا طب را به کناری نهد و چه در مشرق زمین و چه در وطنش به فراگیری زبان‌های فارسی، ترکی و عربی پردازد و سرانجام در ۱۹۰۲ م کرسی استادی کمبریج در زبان عربی را اشغال کند و تا پایان عمر به همین کار پردازد.

دیری است که نام ادوارد براون مساوی با نخستین و مدرن‌ترین خاورپژوهی است که به طور گسترده به همه چیز و همه جای ایران و هم شرق، از تعالیم عرفانی و مفاهیم تصوف تا ادبیات و تاریخ و فرهنگ پرداخت. زبان شرقیان را بی‌کم و کاست فراگرفت و با آن نوشت و نویساند و خواند و سخن گفت^۴ و از نزدیک به کوچک‌ترین قسمت‌های شرق افسانه‌ای سرکشید و با بسیاری از بزرگان این دیار و آن دیار دوستی صمیمانه و

وی را ماندنی ساخت و عشق وی به اسلام و قرآن^۶ و فارسی و پارسی گویان، او را از انجام هر کاری حتی نامه نگاری با عالمان شیعی نجف باز نداشت.

استمرار مشرق زمین و شرقیان باعث گشت تا تمایلات سیاسی و مصلحت پردازای های وی نمایان تر و هم هاله اندودتر گردد؛ نیز جهت گیری های او به سمت دین پژوهی و تصوف^۷ ایرانی، با بیان تازه به دوران رسیده و مکاتبات و ملاقات های وی با سران اهل سنت و جماعت و شیعی مذهب انجمن نجف نشین^۸، حتی سید جمال الدین اسدآبادی، تئوری پردازان مشروطه مانند سردار اسعد و تقی زاده موضوع را حساس تر ساخته و معاشرت بی پرده اش با مردمان عادی را در اذهان به سمت آسان سازی تسلط مقاصد استعمار کهنه ضد مسلمین پیش برد.

نقد سیاسی شخصیت و آثار براون به ویژه در بخش دینی و تاریخ نگری اش را مدید مدتی است که شاهدیم: استاد شهید آیه الله مرتضی مطهری در خدمات متقابل اسلام و ایران؛ داوود الهامی در خدمات متقابل اسلام و ایران^۹، سید مصلح الدین مهدوی در بیان المفاهیر؛ علامه سید محمدعلی روضاتی در تعلیقات جلد ششم مکارم الآثار؛ ماسینیون؛ ابراهیم صفایی؛ طنطاوی در جلد پنجم تفسیر الجواهر؛ علی اکبر ولایتی در مقدمه فکری نهضت مشروطه و

از جهتی ستایش دوستان ایرانی اش مانند محمد بن عبدالوهاب بن عبدالعلی قزوینی، عیسی صدیق، دهخدا، ذبیح بهروز، تقی زاده و دیگران و مدح او در شعر نزدیک به بیست نفر از شاعران^{۱۰}، اندکی کار قضاوت را مشکل تر، عمیق تر و خواندنی تر ساخته است و آن جا که پراکنده کاری های وی را نیز در عرصه فرهنگ، سیاست، ادب، طب، تاریخ و دیگر دانش ها می بینیم، جز حیرت چه خواهد ماند.

خلاصه بحث این که نقدهایی که متذکر شدیم، اندک اندک سو گرفت و به نقد سیاسی کاری ها و اشتغالات سیاسی او بیش از پیش پرداخت، تا آن جا که هم اکنون کتاب نقش سیاسی ادوارد براون در ایران را پیش رو داریم.

در برخورد نخستین، نام کتاب به خواننده می نمایاند که در این نگارش تنها به نقش بندی نقش سیاسی براون پرداخته و آن هم تنها در محدوده کشور ایران و نه هیچ کجای دیگر.

براون در این کتاب شخصیتی منفی معرفی می شود و این شاید برای گروهی آزردهنده باشد، ولی حتماً خواندنی و دیدنی است، اما باز به هر حال خواندنی بودن یک اثر هیچ زمان دلیل پسندیدگی نخواهد بود. براونی که نه زاده ایران است و نه در گذشته در آن با علاقه ای خودجوش نزد یک روحانی ایرانی زبان

ترکی می آموزد، به روستاهای خاکی قدم می نهد و تا بن آن ها سر می کشد، بیماران عامی را معالجات سرپایی می کند، با قزوینی های این مملکت دوستی اش گل می اندازد و تا حد دو برادر پیش می رود و از کیسه فتوتش، زر ایشار می کند و هزینه چاپ و انتشار کتاب هایی چون نسب نامه پادشاهان با عظمت صفوی^{۱۱} را تا آخر می پردازد، شایسته این اندازه منفی بافی و منفی کاری و منفی بازی نبوده و نقش او این نیست که اندرین کتاب است.

نویسنده کتاب درک سیاست و فرهنگ معاصر را در سایه شناخت دو گروه طراحان و سازندگان فرهنگ و تاریخ سیاسی میسر می داند که از این میان و در این میانه، براون انگلیسی طراحی است شاید سازنده که در ایجاد تفرقه دینی و مشروطیتی که پژوهشگر اثر حاضر تراژدی می خواندش، نقشی داشته و تحقیقاتی از این دست را سرایت ویژگی دو رویه بودن تمدن غرب در اشخاص غربی می پندارد.

در ادامه شرق شناسان و مشرق گریزان و به طور کلی روشنفکران را، چون اساطیر باستانی، نیم حیوان و نیم فرشته به تصویر ۶. از جمله قرآن پژوهی های وی معرفی نسخه ای کهن از تفسیر قرآن است که در صفحات ۴۱۷ تا ۵۲۴ جلد دوم مجله انجمن سلطنتی آسیای مندرج است.

۷. امضای براون گاهی بدین گونه است: «ادوارد براون المسحی عند اهل الطريقة بمظهر علی».

۸. ر. ک: «مکتوب براون به آخوند خراسانی و جواب آن» در شماره دوم یادگار، صفحات ۴۶ تا ۵۱ و یا شماره ۵ و ۶ از سال دوم ارمغان، صفحات ۳۴ تا ۴۲.

۹. کتابی است همنام کتاب شهید مطهری و در همان موضوع که در آن از نگارش استاد شهید استفاده شده و در مقدمه اش متذکر گشته اند که استاد مطهری با آگاه شدن از پژوهش او تأسف خورده که اگر می دانستم شخصی در این باره تحقیق می کند، خود در این موضوع قلم می نهادم. (ایران و اسلام: داود الهامی، با مقدمه آیه الله سبحانی، [چاپ اول] دفتر مجله مکتب اسلام، قم).

۱۰. از جمله این اشعار:

از مردم انگلیس بر مردم شرق

گر مکرمتی بود همین تنها اوست

و یا:

تا مهر فلک درخشد از مشرق کون

ادوارد بریتانی ادوارد براون

۱۱. سلسله النسب صفویه (نسب نامه پادشاهان با عظمت صفوی): شیخ

حسین پسر شیخ ابدال پیرزاده زاهدی، چاپ اول، برلین، انتشارات

ایران شهر، شماره ۶، ۱۳۴۳.

این کتاب بعدها توسط انتشارات سحر (تهران، ۲۵۳۶) و بار دیگر در

مجموعه ۱۵ اثر ارزنده از انتشارات ایران شهر به همت انتشارات اقبال

تهران در اسفندماه سال ۲۵۳۶ به چاپ سپرده شد.

ترجمه اش که بیش تر بازاری می نماید، بخشی جداگانه را می طلبد. مقایسه های سودمندی بین گفتارها و اقوال می یابیم، از قبیل آن که شرح تقی زاده از براون کمتر از نوشته عیسی صدیق شامل ستایش است و حتی تقی زاده سخاوت ها و پذیرایی های براون را نوعی حيله نامیده است و یا مطالبی که نشان دهنده خصوصیت بیشتر صدیق با براون است، از جمله وصف خانه شخصی و زندگی درونی براون که تنها در نوشتار عیسی صدیق مذکور است (ص ۳۹). سپس سخن دنیس رایس^{۱۴} را در آن جا که می گوید براون سیاست دولت بریتانیا را در ایران که بیشتر ناشی از وحشت انگلستان از روسیه بود، تقبیح می نمود و می گفت انگلیس نباید به هیچ روی در امور ایران مداخله کند، این گونه به نقد می کشد: «تا آن جا که نوشته ها و گفته های براون را دیده ایم این گونه نبوده است، بلکه سخن او این بود که نباید انگلستان و روسیه بر علیه ایران متحد شوند و این سیاست اداوردگری را به نفع حزب جرج کرزن... تقبیح می کرد» (ص ۴۵)؛ چرا که خود او نیز دوست و یاور کرزن و وزیر امور خارجه پس از اداوردگری بود و در این دوره منفور وزارت خارجه موطن خویش نبود، بلکه به اجرای سیاست های کرزن علیه گری درباره ایران هم می پرداخت. و نتیجه گیری نهایی اش این است که گفتار عده ای که می گویند براون اطلاعاتش را درباره ایران در اختیار دولت متبوعش قرار نداد، کتمان حقایق است، زیرا وی آگاه ترین فرد در میان ملتی مانند انگلستان بود و مسائل ایرانیان و ایرانی را به خوبی می دانست و می شناخت (ص ۴۷).

همچنین رایس می گوید من هرگز نشنیدم که براون راجع به مذهب صحبت کند و «نصر» در نقد این مطلب می نویسد: عجیب است وی که در حد تغییر مذهب خود با کسانی رفتار کرده و یا درباره باب آن همه وقت گذاشته و تحقیق کرده چگونه برای دوستان

۱۲. این سفرنامه نخست با نام سرگذشت یک سیاحتگر برای روشنگری درباره تاریخ باب (A Traveller's Narrative: written to illus- trate the Episode of the Bab) به سال ۱۸۹۱ یعنی سه سال پس از بازگشت از ایران توسط دانشگاه کمبریج انتشار یافت که شاید نخستین نگارش براون هم باشد و همین اثر بود که دو سال بعد با تغییراتی به نام یک سال در میان ایرانیان (A year amongst the Persians) در لندن به چاپ رسید و با ترجمه و تحشیه مرحوم ذبیح الله منصوری توسط کانون معرفت تهران عرضه شد. چاپ سوم این اثر به علت دربرداشتن مقدمه ای از دنیس رایس منقح است (چاپ دوم ۱۹۲۶، چاپ سوم ۱۹۲۷). برداشت و تألیف ایرانیان از آن را از جمله می توان آن زمان دریافت که عیسی صدیق نام سفرنامه اش اندکی مابعد گرفته از سیاحتنامه براون است.

13. Alice

14. Denison Roos

می کشد که گاه گاهی خدمت کرده اند و گاهی خیانت و جنبه های مثبت و منفی آنان با هم توأم است؛ بنابراین نوشتار حاضر نیز از دو بخش عمده تشکیل و به هم آمده است: بخش نخست شامل رویه اول براون و بعد خدمات او.

بخش دوم تلاشی در حد مقدور برای روشن نمودن هدف های پس پرده و پرده پوشی ها و حرکت ها و کارهای ناشی از نیمه حیوانی و استثمارگرانه او. و این قسمت است که شاید هدف اصلی تحقیق عباس نصر باشد و در آن شواهد تاریخی و سیاسی خویش را بیشتر از نگارش های دیگران دریافت داشته تا آثار خود براون و هم آنچه از کتاب های وی مورد تجزیه و بسط و شرح و تحلیل واقع شده، کتاب یک سال در میان ایرانیان^{۱۲} است.

بخش اول: پاسخی است که به پرسش «براون کیست» از زبان و قلم و ذهن و دیدگاه دوستان و نزدیکانی که با او حشر و نشر بسیار داشته اند و در ابتدای بحث، کتاب شناسی توصیفی مختصری از نگارش هایی که مشتمل بر احوال شخصی براون است را ارائه می دهد (ص ۸ تا ۱۱). نیز پیش از آن که مطالب نگاهشته شده درباره براون را بیاورد، بارها و بارها متذکر می گردد که این گفته ها و نوشته ها خالی از احساسات نیست و به هنگام مطالعه «باید» از امواج احساسات گذشت و از غرقه شدن در آن ها احتراز نمود.

در صفحات بعدی به مطالب راجع به شرح حال براون برمی خوریم که گاه بسیار درازآهنگ است و محقق کتاب در میان آن اقوال منقول کمتر حرفی و سخنی از خویش دارد و مؤلفه های اصلی آن بدین قرار است: چگونگی و کیفیت آموختن زبان فارسی، استاد و آموزگار براون در فارسی و صبر تمام ناشدنی برای آموختن، نقش همسرش آلیس^{۱۳} و روابط آن دو با هم، صفات انسانی، حافظه فوق العاده، سخاوت، جذابیت قلم براون و تأثیرات نشر وی بر دیگرانی مانند والتر هیتشنر، بازتاب در گذشت وی و ...

در میان این مطالب عکس هایی از براون به تنهایی و یا با یاران و شاگردان به چشم می آید و از همه توجه انگیزتر شروحي است که در ذیل آن ها نوشته شده است؛ از جمله در صفحه ۹ در شرح عکسی از سفر یک سائله او به ایران آمده است:

«در یک دست تسبیح و در یک دست کتاب (شاید قرآن) اگر کسی براون را نشانسد نمی تواند باور کند که او یک طلبه ایرانی نیست.» و از همین جاست که جهت گیری های نگاهشته حاضر آغاز می گردد.

در این صفحات به جز استفاده و ارجاع فراوان به کتاب «یک سال در میان ایرانیان» که درجه اهمیتش در تاریخ ایران و یا شرح حال و بررسی افکار و اندیشه های براون تا چه رسد به

خود یک بار هم از مذهب سخن نمی راند. «پس آن همه تحقیق برای چه کسی انجام گرفته است؟» (ص ۴۸) و نیز آن گاه که رایس می نگارد: «گاهی فلان حاکم و یا فلان ایرانی مقتدر که ادوارد براون را میهمان کرده مسؤول قتل هزارها نفر می باشد... اما ادوارد براون فجایع اعمال او را نادیده می گیرد و در عوض از کتابخانه اش که محتوی کتب گران بها است تعریف می نماید.» نصر در جواب می گوید براون درباره قتل و کشتار بابیان و بهائیان هیچ چشم پوشی نمی کند و از ناصرالدین شاه به خاطر قتل دو نفر بابی با تنفر یاد می کند، ولی قتل عوام برایش اهمیتی ندارد (ص ۵۵).

«قدردانی ایرانیان از خدمات براون» نام یکی از زیرفصل های این بخش است که در آن با نگاهی کلی به شخصیتی می نگرند که درباره ایران نوشته های فراوان دارد،^{۱۵} در حرکات سیاسی، جنبش ها و حرکت ها مدافع ما بوده و بی شک به ایران زمینیان خدمات شایانی کرده است، چنان که در جنبش مشروطه مدافع مشروطه خواهان و در تهاجم روسیه مدافع ایرانیان بوده است: «او از خود اسناد فراوانی باقی گذاشته است که هر یک جای تجزیه و تحلیل جداگانه داشته و اسنادی تاریخی خواهند بود که می تواند روشنگر مسائل دوران خاصی از تاریخ ایران باشد.» (ص ۶۰) و در مقابل هدیه های مادی و معنوی و ارج شناسی ایرانیان از او.

سپس در صفحه ۷۳ پس از ذکر یادداشت کوتاه عیسی صدیق که در شرح یکی از مسافرت هایش نوشته است: «شرکت در مراسم صدمین سال تولد پرفسور براون و ایجاد پژوهشنامه به نام براون توسط ایرانیان انجام شده و یا حداقل در ایجاد آن مشارکت داشته اند» و می افزاید که یکی از استادان گروه تاریخ دانشگاه اصفهان که در اروپا تحصیل نموده بود، از مرکز تحقیقات براون شناسی در کمبریج سخن می گفت و اظهار می داشت که در جوار کتابخانه کمبریج مرکزی به نام براون وجود دارد که اسناد بسیار متعددی برای شناخت و اقدامات براون وجود دارد که اسناد بسیار متعددی برای شناخت و اقدامات وی موجود است و این همان مرکزی است که عیسی صدیق و همراهانش آن را پایه گذاری کرده اند؛ و همچنین ما بدون آن که سند مستقیمی داشته باشیم «احتمال قریب می دهیم که از همان مسیر و همان گونه که عماد الکتتاب آزاد می شود^{۱۶} و سپس منشی مخصوص پهلوی می گردد، وحید الملک و عیسی صدیق و دیگران نیز به درخواست براون صاحب مسؤلیت های سیاسی و فرهنگی شده اند؛ چرا که کودتای ۱۲۹۹ که عیسی صدیق از آن به نام تغییر کابینه یاد کرده است، طبق طراحی جرج کرزن بوده است» و براون هم از مشاوران و دوستان سیاسی کرزن به ویژه در مقابل رقیبانش ادواردگری. و هموست که سفارش تقی زاده را

به خراسانی کرده است تا منصبی به او دهند (ص ۷۳). ایرانیان خدمات بلّمی و سیاسی ادوارد براون را ستوده اند و این نشانگر آن است که ایرانیان قدر دان خدمتگزاران اند و نیز گویای این نکته که براون توانسته است آنچنان احساسات نویسندگان را برانگیزد که قلم هاشان با تمام وجود در فقدان اشک ریزند.

نکته مورد توجه دیگر آن است که مواضع سیاسی براون هم مورد تأیید همگان نیست، همان گونه که مطالب علمی اش را بسیار مورد نقد و بررسی قرار داده اند و مانند کتاب های دیگران برخی مردود و بعضی مورد تأیید و قابل تمجید واقع گشته است.

صفحه ۷۶ شروعی است بر نقد سفرنامه براون به نام «یک سال در میان ایرانیان» و در ابتدای سخن خاطر نشان می سازد که «انسان وقتی سیمای پس پرده دیگران را شناسد در نظرش از او سیمای یک قدیس را مجسم می سازد ولی وقتی از اهداف و وابستگی های مبهم و ناشناخته افراد آگاه می شود کم کم چهره واقعی آن ها را می تواند بیابد. بر همین اساس و در نگاه اول کسی نیست که براون را به عنوان یک چهره بزرگ انسانی با صفحات بسیار متعالی نستاید. ولی زمانی که روابط پس پرده او را بیابد و برخی از اموری را که ایشان به آن ها جنبه شخصی می داده است در چهارچوب روابط با دولت انگلستان تفسیر نماید، موضوع صورت دیگری پیدا می کند.» (ص ۷۶) پس از این، اعتراف و اقتراح است بدین شرح که ما در ذیل کتاب های متداولی که نام برده ایم، مدرک رسمی ای که حاکی از مأموریت براون از وزارت اطلاعات یا وزارت مستعمرات انگلستان باشد، همچون دیگر سیاحان انگلیسی نیافته ایم، ولی گفته های زیادی هست که وابستگی او را به این گونه جریان ها بیان می کند و البته ما قبل از استناد بدان گفتارها «پا به پای ایشان در سفرنامه اش جلو رفتیم ببینیم که از گفته ها و رفتار هایش چه چیزی می توان استنباط کرد. آیا گفتار و کردار او بیانگر وابستگی او به این گونه

۱۵. برای آگاهی از فهرست نگارش های براون مراجعه بدین موارد مفید است: پایان کتاب مذهب باب چاپ ۱۹۱۸؛ فهرست کتاب های ایران از ارنولد ویلسون صفحات ۳۰ تا ۳۲ (لندن، ۱۹۳۵م) و فهرست توصیفی دست نویس های شرقی متعلق به براون: نیکلسون (کمبریج، ۱۹۳۲).

۱۶. عماد الکتتاب در آن زمان که عیسی صدیق، میرزا یحیی دولت آبادی و دیگران در پی فراهم سازی مجموعه تهنیت نامه ها به مناسبت شصتمین سال تولد براون بودند، چهار سال از زندانی بودنش می گذشت که تبریک نامه ها را برای خوشنویسی به وی می دهند. وی در همان زندان آن ها را نوشته و در ضمن شرحی مختصر درباره بی گناهیش به مسوولان حکومتی و مختصری دیگر به ادوارد براون می نویسد و یک ماه بعد آزاد می شود.

عده‌ای از بیماران دیدن می‌کند، ولی حوصله چندانی ندارد و در تهران به دعوت طولوزان پزشک ناصرالدین شاه تنها یک بار در شورای طبی هفتگی دارالفنون شرکت می‌جوید، سؤال ساده‌ای مطرح می‌سازد و امیدواریش را در بهبود اوضاع پزشکی کشور بیان می‌کند (ص ۸۱). گزارش‌هایی از قبیل خواص داروهای گیاهی و مقالات طبی^{۱۷}، پس از سفر به ایران است، ولی در ایران حتی طبابتش را پنهان می‌کند، مگر برای نجات یک خانم انگلیسی در راه شیراز و به هر صورت در کار طبابت هیچ عشق و جاذبه‌ای از ناحیه براون دیده نمی‌شود و هر کجا در این باره قدمی برداشته یا قلمی زده ... طبیب اجباری بوده است (ص ۸۲).

درباره تکمیل ادبیات فارسی براون در ایران هم باید گفت که او بحث ادبی قابل توجهی با همراهان نمی‌کند، تنها تعدادی متون مذهبی و ادبی را خریداری کرده و منظورش را بیان نمی‌دارد و فقط نام این متون را ذکر می‌کند. براون در ایران نیز مباحثات ادبی ندارد و در جلسات شعر و مرثیه شرکت نکرده و سری به مکتب‌خانه‌ها و مدارس نمی‌زند و در دارالفنون اقامت نمی‌کند که همگی بیانگر این نکته است که وی آهنگ مطالعه در ادبیات ایرانی نداشته است (ص ۸۳). هدف سیاحتی براون نیز قابل تأمل است و وقتی به مصادیق آن می‌نگریم و کلی‌نگری را به سویی می‌نهم، در خواهیم یافت که مستشرقین به ابزارهایی چون آثار هنری و باستانی و بزرگان علم و ادب و مساجد و معابد و بازار و از این قبیل رو آورده‌اند، چه از جهت سیر و سیاحت و چه از لحاظ شناخت روحیات ایرانیان، ولی براون به صورت جدی چنین موضوعاتی را پی نمی‌گیرد و شوقش در زمان ملاقات بیش از زیارت مقبره سعدی و حافظ است (ص ۸۳) و در اصفهان مزار دو بابی را می‌یابد و به زیارت می‌شتابد (ص ۸۴).

دیگر نکات دریافتی قابل توجه از سفر براون بدین قرار است: سفرنامه او یک سال در میان بایان است نه در میان ایرانیان (ص ۸۵)؛ مخفی‌کاری‌های فراوان در نگارش سفرنامه به نحوی که حتی نام بسیاری را ذکر نمی‌کند (ص ۸۵)؛ قرار دادن نام‌های مستعار و مخفف و القابی مثل مظهر علی^{۱۸} برای خود و دیگران (ص ۸۷ و ۹۰)؛ تشدید اختلاف و جبهه‌گشایی میان اقلیت‌های مذهبی (ص ۹۳ و ۱۱۷)؛ براون در بدو ورود مسلح نیست و ناگهان از اسلحه‌ای سخن به میان می‌آید که محل تهیه آن مشخص نیست (ص ۹۵)؛ مردمان دیدارکننده با ادوارد براون اغلب باور نمی‌کنند که او برای امری جز جاسوسی به ایران آمده است (ص ۹۵) و حتی بابی‌ها هم باور نداشتند که

۱۷. از جمله این نگارش‌ها «طب عربی» چاپ ۱۹۲۰ میلادی است.

۱۸. حاجی پیرزاده است که براون را بدین لقب ملقب می‌کند.

جاها خواهد بود یا نه؟ با این دید و در ضمن مطالعه سفرنامه به ابهامات و سؤالات زیادی برخورد کردیم که جا دارد این سؤالات و ابهامات را درج کنیم تا در صورت پاسخ بودن او، طرفدارانش آن‌ها را پاسخ گویند و در صورت جاسوس بودنش، تأییدی باشد بر آنچه ماهیت پس‌پرده او را بیش تر افشا می‌نماید. « (ص ۷۶) پس از بیان این نکات از آن می‌هراسد که نکاتی ناگفته باقی بماند، بنابراین می‌افزاید که دولت انگلیس آن زمان از هر شخص و مؤسسه‌ای به سود مطامع و مقاصد استعماری خود استفاده می‌برد. هر کس که آهنگ سفر به ممالک شرقی داشت، هر چند که هیچ ارتباطی با دولت هم نداشت، و به خرج خویش سیر و سیاحت می‌نمود، اما وی را به وزارت مستعمرات دعوت می‌نمودند و خواسته‌هایی در حد توانایی شخص را بر عهده‌اش می‌نهادند و پس از توجیحات و لوازم لازم از او می‌خواستند تا هنگام بازگشت محصول سفرش را در اختیار دولت قرار دهد و دستمزد دریافت نماید؛ «ادوارد براون و هیچ سیاح و مستشرق انگلیسی دیگری از این قاعده مستثنی نیست.» (ص ۷۷)

از سوی دیگر روحیه وطن‌پرستی او که آرزو می‌کرد که در راه وطنش کشته شود و امضایب که می‌نویسد ادوارد براون انگلیسی (ص ۷۷) از نکات برجسته بحث این بخش از کتاب است. همچنین دعوی براون بر سر کرسی زبان و ادبیات فارسی کمبریج که این کرسی پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران تعطیل شد. «ظاهر مسأله را عدم امکان مالی اعلام داشتند، ولی حقیقت آن است که امروز زبان فارسی مثل گذشته برای آن‌ها نفعی» نداشت (ص ۷۸). و ادوارد براون برای آن که به شوق سفر کنندن به هر کاری می‌دهد حتی می‌خواسته که به ارتش انگلستان وارد شود (ص ۷۸) تا به مقصود برسد و این نشان آن است که براون حاضر است برای خدمت به دولت و ملت هم‌کاری و همیاری کند و هم آن‌جا که از مخالفت وزارت با سفرش سخن می‌گوید، بعد از آن شرحی نمی‌آورد که موانع بر طرف شد و ناگهان دانشکده، کرسی زبان فارسی را ایجاد کرد (ص ۷۹) تا وی به ایران بیاید.

مسافرتی که از ۱۸۸۷ تا ۱۸۸۸ میلادی یعنی دوره ناصرالدین شاه قاجار و از مرز عثمانی آغاز می‌شود و به مصرف مواد مخدر در کرمان می‌انجامد، چه اهدافی می‌تواند داشته باشد. براون خود این هدف‌ها را چنین برمی‌شمرد:

سیاحت؛

تکمیل زبان فارسی؛

مطالعه درباره امراض موجود در ایران؛

اما این موارد نیز قابل بررسی است، از جمله با ورق زدن بخش‌های پزشکی سفرنامه درمی‌یابیم که یک باز در خوی از

کسب اطلاعات او از آنان تنها ناشی از کنجکاوی است (ص ۹۸)؛ تحقیقات براون تکمیلی است بر تحقیقات کروزن (ص ۱۰۰)؛ انگلستان برای آن که از کشوری مثل فرانسه در زمینه مذهب پژوهی و مذهب سازی و آشنایی با زبان فارسی عقب نماند تنها براون را مناسب دید (ص ۱۰۰) و در بین بابی یابی را بر چشم او زد (ص ۱۰۲) و هیچ کجا از مساعدت وی فروگذار نکرد، چه بسیاری خارجیان مقیم ایران شرابی برای نوشیدن نمی یافتند که براون یافت (ص ۱۰۲). دیگر نکته دریافتی سودمند آن است که روش براون در سفرنامه شرح مواردی است که در شناخت ایران به سایر ملل کمک نماید و از پرداختن به زواید پرهیزد، اما هزینه های سفر را به صورت بسیار جزیی می آورد^{۱۹} (ص ۱۰۳) و از شیوه نامه خویش نیز عدول می کند.

بابی یابی وی خاتمه ندارد^{۲۰} و در اصفهان با یک دلال ماهر در این کار آشنا می شود و کمی خیال آسوده می کند و حتی استاد فلسفه اش را در تهران به هنگام درس و در نزد دیگران به سؤال و جواب می کشد تا بداند بابی است یا خیر (ص ۱۰۶) و این استاد همان میرزا اسدالله سیزواری است که یک بار به جرم باییت و در حقیقت به خاطر تفلسف به زندان می رود و پس از روشن شدن موضوع آزاد می گردد، ولی شاید به خاطر آن که منزل مسکونی اش به انگلیس در تهران نزدیک است، شایع می شود که دولت بریتانیا در آزادی او دخالت نموده است (ص ۱۰۷). همچنین آن گاه که به ارگ تبریز می رود، تمامی توجهش به بازسازی واقعه زندان و قتل علی محمد باب شیرازی در ارك و اطراف آن است تا سخنان راهنما (ص ۱۱۲) و در مجموع خدمات براون به باب و بهاء را می توان بدین گونه ذکر کرد: (ص ۱۱۸)

۱. برداشت ها و نظرات نادرست گوینو^{۲۱} را در این باره یک بار دیگر حک و اصلاح کرده؛
۲. تاریخ حوادث آن ها را ثبت نموده و در معرض مطالعه عموم گذارده؛
۳. اعتقادات آنان را چه جزیی و چه کلی در سفرنامه اش بیان داشته تا آن جا که بوی تبلیغ به وضوح از آن حس می شود؛
۳. با مظلوم نمایی هایی که از آنان نموده زمینه پذیرش حقایق آن ها را در ضمیر ناخود آگاه خواننده فراهم ساخته؛^{۲۲}
۵. از چهره متفور پاره ای از آنان نظیر قره العین غبارزدایی کرده؛

۶. چهره علمای شیعه مذهب را ملوث نموده و بدون مطالعه و تحقیق گفتار بابیان را علیه آنان درج نموده است.

در مواضعی نیز روابط مسیحیت و باییت را تنگاتنگ دانسته و یا از محل دفن دو بابی، امام زاده سازی کرده و خواننده را در حین غوطه ور ساختن در احساسات به سمت زیر سؤال بردن شخصیتی مثل مرحوم

سید محمدباقر شفتی از عالمان اصفهان می برد (ص ۱۲۲). صفحات ۱۳۰ تا ۱۳۸ به ماهیت و شناساندن «قره العین» اختصاص یافته و پس از آن چنین آمده است: «از علل مهم ادامه حیات فرقه بابی و بهایی همین حمایت اجانب به خصوص براون از آن ها بوده است» و اگر این جانبداری ها درباره فرقه شیخیه و یا آقاخان محلاتی هم صورت می گرفت، آن ها جان می گرفتند و پابرجا می شدند (ص ۱۳۹)

براون متون باب را در ایران گردآوری کرده^{۲۳} و پس از چندی با مقدمه ای از خویش آن ها را منتشر نمود تا باب و بهاء را فرهنگی فراگیر سازد و به سمت جاودانگی شان برد.

از این قبیل پژوهش های براون که بدان استناد نیز بسته اند، آن جاست که در کتاب قاموس ایقان^{۲۴}، مشاجره ای بر سر مستند نبودن توبه نامه باب آمده است و چندین جا تأکید می کند که چون ادوارد براون در این باره تردید نموده، پس این سند مجعول است (ص ۱۴۰) و در یک نگاه یک هفتم از کارهای علمی براون درباره باب و بهاء است (ص ۱۴۱) و این حمایت در حالی است که خود عقاید آنان را مردود شمرده است (ص ۱۴۳).

برخلاف نگاه های نخستین، اکنون بر ما واضح شده است که براون یک شخصیت بزرگ سیاسی انگلیسی است نه یک ادیب و یا محقق تاریخ (ص ۱۴۷)۔

انگلستان که هیچ گاه در زمان احساس خطر نمودن از عده ای،

۱۹. از جمله مواردی است که سفرنامه را به سمت گزارشی شدن پیش برده است.

۲۰. براون در سفرنامه اش و مقدمه نقطه الکاف علاقه به باییت را از جهت مطالعات قبلی کتاب های کنت دو گوینو در آن موضوع می داند، اما کتاب حاضر چنین نظری را رد می کند (ص ۱۱۱)؛ نگارش گوینو در این باره همان مذهب ها و فلسفه در خاورمیانه (Les Religions et Les Philosophies l'orient central) است.

21. Gobineau

۲۲. گاه نحوه اعدام و اشعار و مقاومت های مظلومانه آنان را در زندان برای خواننده شرح می دهد و... (ص ۱۲۸).

۲۳. انتشار مقاله سیاح عباس افندی (عبدالبهاء) و پیش از این ارائه ترجمه ای از آن؛ ترجمه تاریخ جدید باب (The new history of the Bab) به همراه مجمل بدیع در وقایع ظهور منبع به سال ۱۸۹۳ م از میرزا حسین همدانی و دیگران؛ حواشی و مقدمه بر نقطه الکاف فی تاریخ الباییه میرزا جانی کاشانی (۱۲۶۸م)؛ مذهب باب و مقالاتی در مجله انجمن سلطنتی آسیایی از جمله بابیان ایران مندرج در جلد ۲۱؛ فهرست و شرح بیست و هفت نسخه خطی مربوط به بابیه در جلد ۲۴؛ خاطراتی از شورش بابیان زنجان در سال ۱۸۵۰ میلادی (ترجمه از فارسی) در جلد ۲۹ از آن نمونه است.

۲۴. قاموس ایقان، عبدالحمید اشراق خاوری، مؤسسه مطبوعات امری، سنه ۱۲۷ بدیع.

۳. تلاش سیاسی در خارج کشور؛ ۲۶
۴. تلاش مطبوعاتی و فرهنگی؛
۵. حمایت‌های مادی (ص ۱۷۶).

از نکات باقی‌مانده دیگر آن است که براون یک فراماسون است و حمایت‌های مادی مذکور درباره روشنفکران ماسونی بوده (ص ۱۷۶) و مطالعه این روابط در قالب برادری ماسونی و اطاعت یک جاسوس (تقی زاده) از کار فرمای خود (براون) (ص ۱۷۶) بسیار بجاست و نیز سید حسن تقی زاده روشنفکر سیاستمداری در لباس روحانیت که در قرن حاضر بیش از هر روشنفکر دیگر مورد مذمت محافظه‌کاران قرار گرفت. (ص ۱۸۱)

پشتیبانی‌های براون از تقی زاده تنها در چارچوب تشکیلات فراماسونری قابل تفسیر است (ص ۱۹۳) و هم اقدامات عمومی وی در زمینه فرهنگ در دو بخش عمده تشکیل و سپس فعال نمودن انجمن ایرانیان مقیم خارج که ظاهراً «شعبه‌ای از انجمن آسیایی بوده است.» (ص ۱۹۴)

خدمات براون به مشروطیت و فعالیت‌های فرهنگی وی در این باره را باید از سال‌ها پیش از پیدایش مشروطه و از زمان «روابط او با سید جمال‌الدین اسدآبادی، میرزا صالح شیرازی، میرزا ملک‌خان» (ص ۱۹۷) دانست. باری هم صدایی میرزا ملکم و سید جمال و براون بر ضد دولت ناصرالدین شاهی هم زمان است (ص ۱۹۸) ولی البته دلیل مشترک بودن، هدف نخواهد بود (ص ۱۹۸).

به هر صورت براون افکار روشنفکر ایرانی را به سوی مورد نظر خویش هدایت می‌کند و این کار با هر وسیله‌ای حتی ارسال روزنامه و مطبوعات و کتاب انجام می‌پذیرد (ص ۲۰۰).

آن‌گاه که مجلس را به توپ می‌بندند، براون مصاحبه‌ای با ممتازالدوله ترتیب می‌دهد که به عنوان مصاحبه‌ریس مجلس ایران در خارج انعکاس می‌یابد و برای محمدعلی شاه زیان‌بخش واقع می‌گردد (ص ۲۰۰)؛ ترتیب مصاحبه با ایرانیان مقیم انگلستان (ص ۲۰۲)؛ افشای اسناد روسی لیاخوف به زبان فارسی و انتشار آن‌ها در روزنامه‌های استانبول، بخشی از دخالت‌های فرهنگی وی در انقلاب ایران است و این به غیر از نظارت و اظهار نظر و القای افکار به مطبوعات محسوب می‌شود (ص ۲۰۱). وی با آن که مطلع‌ترین فرد خارجی از انقلاب ایران است (ص ۲۰۲) زیرکانه و متعمدانه از روابط انقلابیون روس با انقلابیون ایران سخن نمی‌راند، تا مبادا علاقه‌ای ایجاد شود و فقط

25. Sir

۲۶. نخستین تلاش عمده براون درباره مشروطه ایران در خارج جمع‌آوری انقلابیون متواری ایرانی در انجمن ایران (Persia Society) است.

در برابر آن جریان نمی‌ایستد و بلکه برای عقیم نمودن جریان‌های سیاسی مخالف خویش، همواره خود را با آن مخلوط کرده و سپس با خط و ربط دادن به آنان، جریان را به سوی سوق می‌دهد که خود طالب است (ص ۱۴۹)، این بار نیز از آن در هراس است که مبادا ایران به دست بایبان افتد و روس‌ها از این موقعیت آنان استفاده برند و یا آن که هند در خطر قرار گیرد (ص ۱۴۹)؛ پس یحیی ازل از جانشینی باب خلع می‌شود و بهاء لقب «سر»^{۲۵} گرفته و مدال دریافت می‌کند و بلافاصله کتب و نوشته‌جاتی که در آن ردی بر ازل و یا تأییدی از بهاء به همراه دارد، نایاب می‌شود که موضوع فاش نگردد (ص ۱۵۵).

براون که در کتب عرب، متخصص باب و بهاء نام دارد (ص ۱۵۷) و نویسندگان و اندیشمندان فرقه باب نیز که به او اطمینانی تام داشتند و می‌دانستند که هر نوشته‌ای از آنان به دست براون برسد، ماندگار و منتشر می‌شود، موضوع باب را در خارج هم دنبال می‌کند (ص ۱۵۶) و مسأله جانشینی باب را امری مهم قلمداد می‌نماید و این جانشین شدن بهاء پس از ازل اگر به پیشنهاد براون هم نباشد (ص ۱۶۰) اما وی در تمام مدت نظاره‌گری آگاه بوده است (ص ۱۶۲).

این جانشینی و میراث‌دار شدن بهاء بزرگ‌ترین خیانت به فرقه باب بود (ص ۱۶۲) ولی آنچه برای ما اهمیت بیش‌تری دارد، تأمل در ماهیت افکار استعمار به‌ویژه در بخش مذهب در عصری است که سفر سید جمال‌الدین اسدآبادی برای توضیح پیرامون موضوع مهدویت در اسلام به دعوت سالیسبوری و چرچیل و موضوعی سیاسی است (ص ۱۵۰) و دغدغه خاطر اروپاییان چنان دامن اندیشمندان ما را گرفته که از میان آنان هر آن‌کس که اندیشه‌های غربی را می‌شناسد، در چهارچوب اسلام باقی نمی‌ماند؛ مگر شخصی چون سید جمال (ص ۱۰۶).

بهایبان سفارش شده استمارند و وقتی که وزیر مالیه ایران خواستار برکناری بهایی‌ها در کادر خویش می‌شود، شوستر واقعی نمی‌نهد و این در آن حال است که تقی زاده دوست صمیمی براون در آمریکا «به محفل بهاییان پیوسته بود.» (ص ۱۶۹)

شاهکار عملیات سیاسی براون در ایران مشارکتش در موضوع مشروطه است که توسط برخی نظیر محمد قزوینی ستوده شده است (ص ۱۷۲) و در همان حال که بریتانیا سیاست واحدی در حمایت یا عدم حمایت از جنبش مشروطه خواهی ندارد (ص ۱۷۴).

تلاش‌های این‌گونه براون به شرح زیر است:

۱. حمایت از رهبران روشنفکر مشروطه؛
۲. «راه انداختن سردار اسعد»؛

انگلستان را مدافع این نهضت می نمایاند (ص ۲۰۵) و این جا هم بهاء را رها نکرده و درباره آنان داد سخن می دهد^{۲۷} (ص ۲۰۵).

نگارش های براون درباره این دوره تاریخی بیش تر از دیگران است^{۲۸}، از جمله مجموعه مطالعات رابینو و محمدعلی تربیت را درباره تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران در دوره مشروطه را گرفته و به نام خویش به چاپ می رساند (ص ۲۱۱) که چون از منظر شناسایی آن عصر و رجال آن زمان مفید است، کاری با عظمت تلقی می شود (ص ۲۱۲).

همکاری های سردار اسعد با براون را از دیدارهای قابل تأمل آن دو می توان دریافت (ص ۲۱۴) و حتی براون مطمئناً در ترجمه یا تهیه و یا هدایت فریدون ملکم برای کتابی که سردار را تحریک به قیام کند، نقشی بنیادین دارد (ص ۲۱۶) و هر چند که دیدارهای سردار بختیاری محدود به چند نفر نمی شد^{۲۹} اما باعث اصلی برخاستن او همان سه جلسه ملاقات با براون است (ص ۲۱۷).

البته تماس ادوارد گری که رقیب براون به حساب می آید^{۳۰} با سردار اسعد بختیاری شگفت انگیز نخواهد بود، چون اختلافات او و براون تنها در مثنوی و مشرب سیاسی است نه بر سر منافع ملی (ص ۲۲۰) و البته تأمل و سخنی درباره دیگر رابطان سردار وجود ندارد؛ چه همگی دوستان و همفکران براون اند (ص ۲۲۲).

صفحه ۲۲۳ به بیان تأثیرات ادوارد براون بر سردار می پردازد:

الف. تحریک فکری با نگارش مقاله و کتاب؛
ب. وساطت های سیاسی براون بین او و انگلستان؛
ج. «کار اجرایی با همکاری کمپانی لنچ و مرتبطین دیگر.»

مشروطه و انگلیس عنوان سخن سپسین است که سرانجام گفته شهید مدرس را می پذیرد که مشروطه حتی اگر دست اجنبی در آن بود، باز هم خوب بود. (ص ۲۲۵) و اضافه می کند که اگر آن نبود شاید این انقلاب اسلامی هم رخ نمی داد و در مجموع تحلیل های ابراهیم صفایی را بسیار می پذیرد، ولی گوشزد می کند که نتیجه سخنان وی که در قبول استبداد و یا زیر سوال بردن مشروطه است، به هیچ روی پذیرفته نیست (ص ۲۲۷).

بازگشت به حمایت های براون در راستای ایجاد و برقراری مشروطیت با این نکته آغاز می گردد که اقدامات او با اندیشه های متناسب با بورژوازی وابسته به انگلیس قابل تفسیر است و نه با دید و انگاره ای دیگر و این از عشق برنخاسته و از سر علاقه شخصی او به ایران نیست، بلکه این «خط فکری براون تحت تأثیر این شیطان استعمار» جرج کرزن شکل یافته (ص ۲۲۹) است و سپس عوامل حمایت براون از ایران در مقابل روس مطرح است که از دو عامل ناشی می شود: نخست عشق به ایران که در بین مستشرقین مشترک است و عامل دوم مسائلی سیاسی بر محور متفتر ساختن اروپاییان

از اعمال روس ها و هم بدبینی دولت بریتانیا نسبت به سیاست ادوارد گری، ترجیح شیوه های سیاست کرزن و نگهداری نیروهای ایرانی طرفدار انگلستان و پیشگیری از برانگیخته شدن آنان علیه اتحاد روس و انگلیس که نمونه های آن را می توان در انعکاس صحنه های دلخراش قتل عام تبریز^{۳۱} و یا مأمور کردن محمد قزوینی در اروپا برای گزارش حرکات و جهت گیری ها در برابر انتشار اخبار ایران (ص ۲۴۰) مشاهده نمود.

این همه تلاش بی اثر نبود «براون موتور محرکه^{۳۲} مشروطه دوم^{۳۳} که غالب سران آن خان و بورژوا و غرب گرا بودند، شد و مجلسی را به وجود آورد که مثلاً طی چند دقیقه موضوع واگذاری

۲۷. کشف علاقه مندی براون به باب و بهاء نکته ای تازه یاب نیست؛ پیش از این محمود محمود می نگارد:

«پیش از هر مطلبی موضوع باب مورد تحقیق اوست.»

شاید یگانه هدف او در مسافرت به ایران دیدار و آشنایی با پیروان باب بوده. (تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس ج ۵، ص ۱۱۵). دقت کنید که سخن محمود محمود، پیش از ترجمه سفرنامه براون به فارسی است و به هر حال مشتاقی وی به این مسأله به راحتی از مطالعه سفرنامه و دیگر نگارش ها و پژوهش های براون ادراک می شود.

۲۸. از جمله این پژوهش ها: شرح مختصری از وقایع اخیر ایران چاپ لندن به سال ۱۹۰۹ میلادی (A Brief Narrative of recent Events in Persia)؛ انقلاب ایران چاپ دانشگاه کمبریج به سال ۱۹۱۲ (The Persian Revolution of 1905-1909) که با حواشی و ترجمه احمد پژوه بهار در ایران به چاپ رسید؛ بحران ایران در دسامبر ۱۹۱۱ چاپ ۱۹۱۲ در دانشگاه کمبریج (The Persian crisis of Dec 1911)؛ حکومت ترس و وحشت در تبریز، چاپ لندن به سال ۱۹۱۲ (The Rign of Terror at Tabriz)؛ همچنین مطبوعات و شعر نومی ایران چاپ ۱۹۱۴ در دانشگاه کمبریج و یا تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران در دوره مشروطیت که با ترجمه و تعلیقات محمد محمد لوی عباسی و رضا صالح زاده در ایران هم به چاپ رسیده و در نقش سیاسی ادوارد براون گفته شده است که این کتاب تألیف محمدعلی تربیت است نه براون (ص ۲۱۱) و در حقیقت بخش هایی از آن اثر تربیت است نه همه آن که نام وی نیز در قسمت های تألیفی مذکور است.

۲۹. فخرالسلطنه و معاضدالسلطنه از این قبیل اند.

۳۰. در کتاب حاضر کرزن مرشد سیاسی براون (ص ۲۸۴) قلمداد شده و البته در صفحات و مواضع قبلی وی دوست و دوست صمیمی براون خطاب می شود. گوینو مرشد فکری براون (ص ۱۳۶) و حاجی پیرزاده مرشد وی در سلوک و تصوف (ص ۳۰۷).

۳۱. نامه هایی از تبریز (Letters from Tabriz) در این باره است.

۳۲. براون حتی برای روزنامه صور اسرافیل خط سیاسی ترسیم می کند (ص ۲۲۱). پس از صور اسرافیل و امثال آن مطبوعات مهم دوران مشروطیت دوم بدین قرار است: ایران آزاد، برق، جنت، حیات، علاج، زنبور، شفق سرخ، عصر جدید، کوب ایران، گل زرد و ...

۳۳. مشروطه دوم همان زمان بازگشت مهاجرین سیاسی به ایران و پایان یافتن استبداد صغیر محمدعلی شاه می است (۱۳۲۶/ق/ ۱۹۰۸ م.).

ارادتمندان براون (ص ۲۸۷) که روابطی قوی با وی داشت، میرزا صالح شیرازی، سردار اسعد، یحیی دولت‌آبادی، لیب، لینچ، محمدعلی تربیت شوهرخواهر تقی زاده، نواب و ...

پایان بخش کتاب برخی اشتباهات براون است: حامد الگار از تظاهر به جهل براون درباره موضوع لاتاری و صاحب امتیاز آن، میرزا ملکم، تعجب می‌کند. نیز مترجم کتاب انقلاب ایران، اشتباه براون درباره میرزا آقاخان که وی رساله انشاءالله را بر رساله ماشاءالله سید برهان‌الدین بلخی نگاشت، در حالی که آن پاسخ محمدکریم خان کرمانی است (ص ۲۹۱ تا ۲۹۳).

ماسینیون معتقد است که براون درباره نحوه نگارش انقلاب ایران که مدعی پرداختن به جمع‌آوری اسناد بوده قراتر رفته و خط و ربط القا کرده است. براون که با سید جمال دیدار داشته وی را غیر ایرانی می‌نمایاند تا ایرانیان وی را «الگوی تاریخی خود ندانند و از وجود او اسطوره نسازند.» (ص ۲۹۴) و شخصیتش را زیر سؤال می‌برد که وی گفته است خون ناصرالدین شاه، بهای موفقیت دیپلماسی انگلستان و روسیه است (ص ۲۹۵).

عدم توانایی‌های براون در ترجمه تاریخ ابن‌اسفندیار^{۳۷} و متوجه نبودن این که مقدمه آن از کیست و اشعار به چه زبانی است (ص ۲۹۵). طغیانگر دانستن ملا قربانعلی زنجانی؛ تناقض‌های زیاد سخنان وی با حرف‌های مصلحتی تقی زاده و یک اشتباه حساس که شهید مطهری بدان اشاره دارد: «انتساب گرایش ایرانیان به خاندان علوی به خاطر ازدواج دختر یزدگرد با امام حسین (ع)» که انتقال ناسیونالیسم غربی است، برای درهم شکستن اخوت اسلامی و معرفی تشیع به عنوان یک دین ایرانی (ص ۲۹۸) و این که در صدر اسلام کتابی نگارش یافته و یا آن که نخستین کتاب‌ها توسط اعراب تألیف شده و نه ایرانیان (ص ۳۰۳ تا ۳۰۵) پایان بر شماری اشتباهات یازده گانه براون است و پس از آن پیوست‌هایی از نامه براون به حاجی پیرزاده، نامه به تقی زاده و بخشی از گفتار محمود محمود درباره براون.^{۳۸}



۳۴. پیش‌تر آمده بود که براون مطالعات و تحقیقات رایینو را به نام خویش به چاپ رسانده است (ص ۲۱۱).
۳۵. بیش‌ترین اثرپذیری سیاسی از براون را تقی زاده دارد.
۳۶. عبسی صدیق طراح دانشگاه و آموزش و پرورش است که در آن روح ناسیونالیسم دمیده شده توسط براون در او، در آن‌ها دیده می‌شود (ص ۲۸۳).
۳۷. ترجمه خلاصه تاریخ طبرستان ابن‌اسفندیار از براون است که به سال ۱۹۰۵ میلادی منتشر گشته است.
۳۸. آنچه در این بخش ناگفته مانده سخن همین محمود محمود است که می‌گوید: تنها براون ناله‌های مردم ایران را به گوش جهانیان رساند. (تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس، ج ۵، ص ۱۱۷)

نفت را به انگلستان تصویب می‌کردند» (ص ۲۴۱) نبود و زمان بمباران مجلس هم مانند جنگ جهانی اول که دو دولت یکی در مرکز و یکی در غرب یکی خواستار متحدین و دیگری طرفدار متفقین تشکیل شد تا هر کدام از میان برود باز ایران بماند؛ در این دوره حمله به مجلس نیز در سیاست انگلیس دو دستگی دیده می‌شود: عده‌ای مانند ادوارد گری موافق بمباران مجلس‌اند و گروهی مخالف که کرزن از این دسته است و براون که در قرارداد ۱۹۱۵ فریاد دادخواهی برمی‌آورد قرارداد ۱۹۱۹ را می‌پذیرد؛ چون دیگر روسیه تزاری وجود ندارد تا لازم به دولتی حایل میان او و انگلستان باشد و افزایش هزینه‌های نظامی را بر بریتانیا تحمیل کند (ص ۲۵۰).

بخش چهارم به همراهان براون می‌پردازد: ذبیح‌بهرروز که پنج سال در کمبریج معاون براون بود، میرزا محمدباقر بواناتی، ابوالحسن پیرنیا (معاوض‌السلطنه) مؤسسان کمیته اعتدالیون، گوینو، نیکلسون که برای مطالعه تمدن اسلامی علاقه می‌ورزید ولی به تصوف روی آورده و از مشوقان صوفیگری شد و پس از مرگ براون کرسی‌اش در کمبریج را گرفت و به هر آن چیزی پرداخت که شوق را از «دنیاگرایی بریده و به آخرت‌گرایی رهنمون سازد» (ص ۲۶۱)، سسر ادوارد دنیس راس، ژوزف رابینو بور گوئماله،^{۳۴} محمد قزوینی که بسیار از براون می‌گوید تا آن جا که روابط را «در حد مرید و مراد جلوه‌گر می‌سازد و البته مریدی که تمام مؤونه او را مراد پرداخت می‌نماید» (ص ۲۶۸) و زمانی که مراد فوت می‌کند، روابطش با «سر حلقه بسیاری از روابط» از جمله اوقاف گیپ گسیخت (ص ۲۶۹)، میرزا ملکم خان ارمنی، سید حسن تقی زاده، عیسی صدیق که بیش‌ترین اثرپذیری فکری^{۳۵} را از براون داشت «دبیر هیأت مدیره بلیط بخت آزمایی و یکی از اندیشه‌گران مدافع بی‌حجابی» بود و کسانی را در دانشگاه می‌پذیرفت که معتاد به پوشیدن لباس اروپایی باشند، همان‌گونه که براون برای بی‌حجابی به غائله قره‌العین دامن می‌زد (ص ۲۸۱). باری «تا قبل از تربیت و شکل گرفتن شخصیت‌هایی امثال عیسی صدیق، اجانب برای تحقیق درباره ایران مجبور بودند به عناوین و لباس‌های مختلف به ایران سفر کنند (همچون براون) ولی زمانی که کسانی نظیر عیسی صدیق در کمبریج و جاهای دیگر تربیت شدند^{۳۶} هر آنچه لازم بود از این افراد می‌خواستند، آن‌ها افتخاراً تهیه کرده و ارسال می‌داشتند.» (ص ۲۸۳)

فانوس به دستان استعمار و قلم‌چرخاننده در راه خواسته‌های تحقیقاتی استثمار (ص ۲۸۳) و دیگر همراهان براون: لرد جرج نانائیل کرزن مراد و مرشد سیاسی براون، شیخ حسن تبریزی که به نگارش کتاب انقلاب ایران کمک نمود، علی‌اکبر دهخدا از